

صادرات از نگاه صاحب‌نظران

از صادرات تا اصل ۴۴

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با آقای سیدکمال سیدعلی، رییس هیأت مدیره و مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران

تعمیراتی: با توجه به مشکلات پیش روی اقتصاد ایران از جمله بحران جهانی چه تحلیلی از وضعیت بازرگانی و تعامل خارجی ایران دارید؟

بحران جهانی روی ایران موثر بوده است، ولی اثرات آن کمی دیرتر به ما رسید. در واقع به خاطر این که سیستم بانکی ما از سیستم بانکی دنیا جدا بوده و بازارهای مالی و اقتصادی ما با بازارهای دنیا ادغام نشده، آسیب کمتری نسبت به بقیه کشورهای دنیا متوجه ایران شده است. البته برخی از کشورهای عربی در منطقه هم، وضعیتی مشابه ما دارند.

جدا از بحران جهانی مسائلی دیگری مثل تحریم‌ها و برخی چالش‌های سیاسی هم وجود دارند که بر اقتصاد کشور ما اثرات منفی داشته‌اند که نمونه این اثرات منفی وجود اختلال در برخی سرمایه‌گذاری‌های جدید داخلی و ناکافی بودن جذب سرمایه‌های خارجی می‌باشد. در کل می‌توان گفت که مسائلی اقتصادی ایران به نحوه تعامل ما با کشورهای دنیا بستگی دارد. در این راستا مسئولان امر برای دستیابی به اهداف ملی باید چارچوب تعامل مذکور را طوری طراحی نمایند که

آسیمی به سرمایه‌گذاران کلیه بخش‌ها اعم از دولتی و خصوصی و همچنین تجار و فعالان اقتصادی نرسد تا با ایجاد فضای رقابتی، محیطی امن برای صادرات و واردات فراهم شود.

البته لازم به ذکر است که در مواقعی طرف خارجی برای گرفتن امتیازات بیشتر تندروری‌هایی می‌کند، ولی در این زمان مدیریت مناسب و کارآمد مدیران و مسئولان ما است که باید بتواند این فشارهای بیرونی را به فرصت‌های ویژه تبدیل نماید.

تعمیراتی: با توجه به روند فعلی اقتصاد ملی، آیا دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله را متناسب با این حرکت می‌دانید؟

زمانی که این برنامه تدوین شد، پیش‌بینی بر این بوده است که ما توانایی دستیابی به اهداف سند

تعمیراتی: در اکثر آمارهای جهانی از اقتصاد ایران به عنوان یک اقتصاد بسته یاد شده، نظر شما در این باره چیست؟

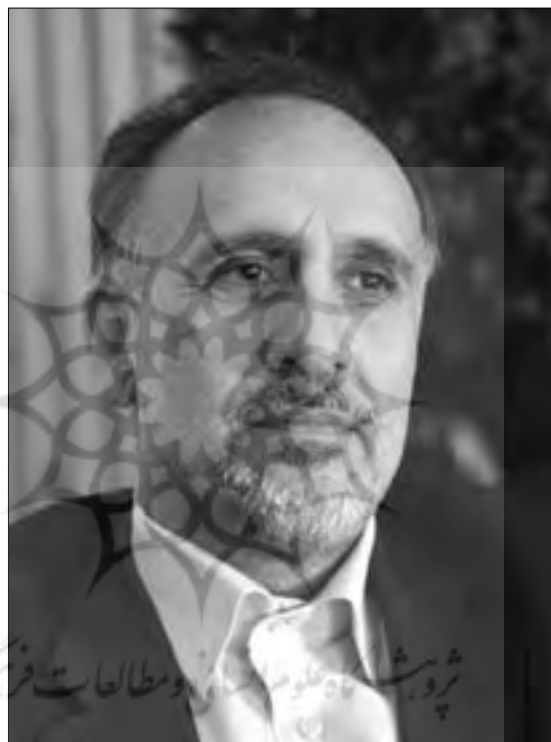
من بخشی از قضاوت‌های مؤسسات اعتبارسنجی دنیا را می‌پذیرم، ولی در مورد برخی مباحث، نسبت به آنها باید اشکالاتی را متذکر شوم. طبق اعلام این مؤسسات ایران دارای یک اقتصاد بسته و به تبع آن با ریسک بالا است، به این صورت که سرمایه‌گذاران خارجی تمایلی برای ورود سرمایه‌هایشان به ایران ندارند. اما چند سال قبل، ایران اقدام به فروش اوراق مشارکت در دنیا نمود که تمام این اوراق به سرعت فروخته شد، پس به طور حتم ریسک ایران بالا نبوده که به این سرعت، اوراق به فروش رفتند. در واقع افرادی که اقتصادی فکر می‌کنند، ریسک ورود سرمایه را به ایران پایین می‌دانند و افرادی که اقتصادی - سیاسی فکر می‌کنند و تحت تأثیر سیاست‌های دولت‌هایشان هستند با احتیاط با ایران رفتار می‌کنند.

بنابراین آمارهای اعلام شده توسط مؤسسات بین‌المللی تا حد زیادی متأثر از مسائلی سیاسی است. البته نباید از واقعیت‌ها دور شد و تصور شود که اقتصاد کشور مشکلی ندارد، بلکه باید با دیدن مشکلات آنها را بررسی کرده و به مرتفع نمودن آنها اقدام نمود.

تعمیراتی: ارزیابی شما از وضعیت صادرات غیرنفتی کشورمان به چه ترتیب است؟

در سال‌های اخیر بر صادرات غیرنفتی تأکید زیادی شده است، ولی به دلیل وابستگی بیش از حد به منافع نفتی، صادرات غیرنفتی به صورت کاملاً مطلوب نهادینه نشده است. در دهه اخیر اقدامات بسیار خوبی صورت گرفته که نتیجه آنها رسیدن حجم صادرات غیرنفتی کشور از ۳ میلیارد دلار در سال ۷۶ به حدود ۱۸ میلیارد دلار در سال گذشته می‌باشد. از جمله این اقدامات می‌توان به حذف پیمان ارزی، یکسان‌سازی نرخ ارز، اصلاح مقررات صادرات، تشویق صادرات و حذف مقررات زاید گمرکی اشاره کرد که باعث افزایش صادرات غیرنفتی شدند. مورد مهم دیگری که در افزایش صادرات غیرنفتی مؤثر بوده و کمتر به آن توجه می‌شود، بزرگ شدن حجم اقتصاد کشور در این چند سال است.

مجموعه موارد فوق باعث شده است که هم‌اکنون رابطه نسبت صادرات به واردات حدود ۲ به ۵ گردد. ما واقعاً توانایی این را داریم که در عرض چند سال آینده این رابطه را تا ۳ تا ۵ ارتقا دهیم و این مهم در سایه توجه افزون‌تر به صادرات غیرنفتی حاصل خواهد شد. البته باید عرض کنم که ۷۰ درصد از مجموع پوشش‌های ارایه شده توسط صندوق ضمانت صادرات، آن هم از بدو تأسیس تاکنون، تنها از ابتدای سال ۸۵ تا انتهای ۸۷ بوده است و مجموع پوشش‌های صندوق



از جمله مسائلی مذکور می‌باشند که به آنها به عنوان مشکلات مسیر نگاه می‌شود. به عقیده من دولت، مجلس و کلیه فعالان نظام باید در راستای اجرای برنامه حرکت کنند و در مواقعی که با موانع از قبل پیش‌بینی نشده مواجه می‌شوند به دنبال راه‌حل‌های دیگری بروند و مشکلات را خنثی کنند. در این رابطه باید از راهکارهای جدید برای تشویق و بهبود فضای کسب و کار، تولید داخلی بیشتر و سرمایه‌گذاری‌های جدید بهره گرفت اما در کل به نظر من هنوز علامت‌های خوبی در این جهت دیده نمی‌شود. مدیریت اقتصادی کشور نباید مسائلی اقتصادی را به طور کامل تحت سیطره سیاست ببرد، یعنی می‌باید تأثیرگذاری مشکلات و مسائلی سیاسی را بر اقتصادی کشور کاهش دهیم و یا حداقل آنها را تشدید نکنیم.

در سال ۸۷ رقیمی بیش از ۹۱۵ میلیون دلار بوده که در مقایسه با سال پیش از آن، از رشدی ۱۴۰ درصدی برخوردار بوده است. با توجه به روند سال گذشته و عملکرد حال حاضر، فکر می‌کنم تا پایان سال، رقیمی بیش از ۲ میلیارد را برای مجموع پوشش‌های صندوق داشته باشیم. این را هم بگویم که استاندارد بیمه در مؤسسات بیمه‌های کشورهای دنیا، تنها ۱۰ درصد از صادرات یک کشور است که این رقم در سال گذشته برای ما به ۱۴ درصد رسید.

تقدیر از: نظر حضرت‌عالی در مورد خصوصی‌سازی‌های صورت گرفته در کشور چیست؟

با توجه به درجه بالای اهمیت اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ تنها پرداختن به مسأله خصوصی‌سازی

کافی نیست، بلکه باید با تدوین مقررات لازم، فضای رقابتی مناسب در کشور ایجاد کنیم تا یک شرکت واگذار شده به بخش خصص وصی واقعی بتواند در شرایط ایده‌آل به فعالیت خود ادامه دهد و همچنین از سوی دیگر بتوان به ورود سرمایه‌گذاران خصوصی دیگر هم امیدوار بود.

بنابراین، رقابت، خصوصی‌سازی و مقررات کارآمد، سه مقوله اساسی در اجرای هرچه بهتر اصل ۴۴ هستند که باید مورد توجه مسؤولان امر قرار گیرند. در صورت بروز هرگونه مشکل و کوتاهی در هر یک از این سه مقوله نمی‌توان به اجرایی شدن درست این اصل امیدوار بود.

تقدیر از: متشکرم.

انجمن اقتصاددانان

انبان تهی از ارز

سخنرانی دکتر علی رشیدی، نایب رییس انجمن اقتصاددانان ایران در نشست شهریور این انجمن



سیاست بازرگانی و موضوعات مربوط به پول و ارز در این زمینه از مهمترین مسایل اقتصادی و حتی اجتماعی و سیاسی ۷۰ سال اخیر بوده و ضرورت توجه به آن در مقطع کنونی از هر زمان دیگری بیشتر است. علت اهمیت این موضوع، اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی جهان است و متأسفانه دولت ایران نسبت به ضرورت تجدید نظر در سیاست‌ها و برنامه‌های خود غافل بوده است. مسأله سیاست‌های بازرگانی در دنیا از حدود ۵۰۰ سال قبل به گونه‌ای که دفاع از تولیدات داخلی و منافع ملی آنها را به دنبال داشته باشد، تبیین می‌شد. صرف‌نظر از این که در دنیا چه گذشته می‌توان چندین دوره مشخص را در سیاست‌های توسعه صنعتی ایران و همچنین سیاست‌های بازرگانی، پولی و ارزی به عنوان مکمل آن نام برد. دوره اول که از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ بوده است را می‌توان درخشان‌ترین دوره سیاست توسعه صنعتی ایران دانست، چرا که در سال ۱۳۰۴ حدود ۹۷ درصد واردات کشور مختص کالاهای مصرفی بود، ولی در سایه استقلال گمرکی و اجرای سیاست‌های مناسب توسعه صنعتی، زمانی که به سال ۱۳۲۰ رسیدیم ۲۲ کارخانه نساجی، ده‌ها کارخانه سیمان، شکر، قند و موارد بسیار دیگر از جمله صنایع ایجاد شده در ایران بودند.

در آن سال سهم واردات کالاهای مصرفی به کمتر از یک سوم سقوط کرد و کم‌کم واردات ماشین‌آلات و قطعات صنعتی افزایش یافت.

دوره بعدی مربوط به زمانی می‌شود که جنگ جهانی دوم روی می‌دهد و به خاطر امکانات محدود صادراتی،

ایران نمی‌تواند از دلارهای به دست آمده استفاده کند. محدودیت باعث شد تا یک ذخیره ۶۰۰ میلیون دلاری در ایران به وجود آید که بعد از اتمام جنگ، دلارهای منگور به جای آنکه در مسیر سرمایه‌گذاری در تولیدات صنعتی قرار گیرند، صرف واردات گسترده انواع کالاها شدند.

در این شرایط بود که فکر تبیین برنامه ۷ ساله اول در ایران ایجاد شد. از سال ۱۳۳۷ که سیاست‌های توسعه صنعتی به وجود آمد، دهه ۴۶ تا ۵۶ - یعنی دوره برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه - را می‌توان جزو بهترین سال‌های توسعه اقتصادی ایران دانست، چرا که برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه صنعتی کشور از نظر برنامه‌ریزی اقتصادی فاقد هرگونه مشکلی بوده و در زمینه اجرای این برنامه‌ها هم موفقیت‌های زیادی به دست آمد.

بعد از انقلاب اسلامی از سال‌های ۷۰ و ۷۱ این نیاز که باید اوضاع اقتصادی کشور اصلاح شود کاملاً حس شد و در این زمان بود که تفکر ورود به عرصه جهانی شکل گرفت. در این سال‌ها اقتصاد ایران همواره به صورت یک اقتصاد انحصاری، شبه انحصاری و منحرف بوده است که با شکل‌گیری مراکز قدرت از حالت اقتصاد بازار و خصوصی خارج شده و همچنان با گذشت زمان درجه انحراف آن بیشتر می‌شود.

در چنین شرایطی ایران هرگز قابلیت عضویت در WTO را پیدا نخواهد کرد، چرا که از مهمترین شروط سازمان تجارت جهانی برای عضویت هر کشور در این سازمان وجود یک نظام اقتصاد رقابتی در آن کشور است که

دولت به خاطر نیاز روزافزون به ریال - به دلیل گسترش بودجه دولتی - تقریباً هر ارزی را که از طریق صادرات نفتی و غیرنفتی به دست می‌آورد، به ریال تبدیل می‌کند. اجرای برخی سیاست‌های اعتباری از جمله بحث مسکن و پرداخت وام‌های کوتاه‌مدت هم از دیگر تصمیمات دولت در سال‌های اخیر است که در این میان صنعت از هیچ سهمی برخوردار نیست.

راهکار

اولین اقدامی که می‌باید صورت گیرد این است که وقتی قیمت نفت کاهش می‌یابد - به علت وابستگی شدید اقتصاد کشور به نفت - لازم است خرید و فروش ارز کنترل شود و از به موارد ضروری اختصاص یابد.

دومین اقدام، مربوط به ثبت سفارشات بازرگانی کشور است. به این صورت که ما هرگز نباید به امید این که روزی عضو WTO خواهیم شد، تمام سپرده‌های حفاظتی صنعت را از بین ببریم. حذف ثبت سفارشات بازرگانی از جمله اقدامات مذکور است که بایستی در آن تجدید نظر شود.

اقدام سوم اصلاح نرخ ارز متناسب با تغییرات نرخ تورم می‌باشد. در برنامه‌های چهارم و پنجم این مطلب بیان شده است که باید تغییرات نرخ ارز بر مبنای تفاوت تورم داخلی و تورم جهانی تعیین شود، زیرا تورم ۲۵ درصدی ایران در مقابل تورم تک رقیمی برخی کشورهای طرف تجاری ما می‌تواند یک مزیت ویژه برای کالاهای صادراتی آنها به ایران ایجاد کند و باعث ارزان‌تر شدن این کالاها در داخل کشور و همچنین کاهش قدرت رقابت کالاهای داخلی با آنها شود.

این اقدامات جزو مهمترین مواردی هستند که برای دستیابی به رشد تولیدات صنعتی و در ادامه آن رسیدن به سرمایه‌گذاری، اشتغال و آموزش صنعتی و نهایتاً رشد اقتصادی پایدار باید اجرایی شوند. ■